

مفهوم «اصل احتیاط» و جایگاه آن در مسئولیت مدنی

علی عباس حیاتی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

چکیده

«اصل احتیاط» یکی از اصول مهم حقوقی است که در دهه‌های اخیر حقوقدانان از آن سخن به میان آورده‌اند و قوانین داخلی و بین‌المللی و رویه قضایی بعضی از کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. ضرورت حفظ محیط زیست و حیات انسانی باعث گردید، خردمندان در پی احتراز از خطرات احتمالی باشند که ممکن است در اثر اقدامات بی‌باکانه بشر امروزی به بار آید. این نگرانی، بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که توسعه ظاهری پاره‌ای از علوم در حوزه‌های صنعت، پزشکی، غذایی، کشاورزی و ... همگان را متحیر و به نتایج حاصل از آن مفتون کرده است. در این میان، هستند دانایانی که نگاه آنان معطوف به افق‌های دوردست است و از این تصرفات لجام‌گسیخته، در محیط زیست و حیات انسانی، بیمناک گردیده‌اند. اصل احتیاط مهار اطمینان بخشی است بر این اقدامات مخاطره‌آمیز تا که شاید حیات بر روی این کره خاکی با خطرات جدی مواجه نگردد. از این روی، ضرورت پیشگیری از خطر، محدود به خطرات حتمی که خسارات قطعی در پی داشته نگردید بلکه گفته شد، حتی در مواردی که از نظر علمی و فنی این اطمینان حاصل نشده است که نتیجه پاره‌ای اقدامات زیان‌بار نیست، بر اساس اصل احتیاط باید حداقل در مواردی که خسارات احتمالی ناشی از آن اقدام، سنگین و جبران‌ناپذیر است، اقدام مقتضی در جهت احتراز از آن خسارات به عمل آید. به همین سبب، کم‌کم باید، شاهد این تحول اساسی در قلمرو مسئولیت مدنی بود که «مسئولیت پیشگیرانه» جایگزین «مسئولیت جبران‌گرانه» شود.

واژگان کلیدی

اصل احتیاط، مسئولیت مدنی، تقصیر، خطر، پیشگیری، ضرر سنگین و جبران‌ناپذیر

مقدمه

اصل احتیاط^۱ یکی از اصول مهم حقوقی است که در چند دهه اخیر در باره اهمیت آن سخن به میان آمده است. ضرورت پرداختن به این اصل حقوقی از نگرانی‌هایی ناشی می‌شود که بشر امروزی را به صورت جدی به فکر فرو برده است. پیشرفت حیرت‌آور علم، هرچند به ظاهر، رفاه را عاید بشر کرده است، اما حقیقتاً، خیال او را آسوده نکرده که این دستاوردها هیچ‌زیانی را در آینده نصیب او نخواهد کرد. به‌علاوه، دستاوردهای صنعتی، باعث گردیده، انسان به سرعت، در وضعیت طبیعی محیط زیست غلبه پیدا کند و آن‌گونه که برای او دلپذیر است، در آن تصرف کند. آیا برای انسان فکور این دغدغه به وجود نیامده است که تصرف بی‌ضابطه در وضعیت طبیعی محیط زیست خطری جدی برای نابودی آن به شمار می‌آید؟!

به‌موازات توسعه و پیشرفت علوم، تصرف در اموری که احیاناً خطری برای سلامت انسان و محیط زیست نیز در پی دارد، گسترش می‌یابد. بشر به هنگامی که بر جنبه‌های مختلف علوم، غلبه پیدا کرد و به سرعت از نتایج آن بهره گرفت، بر خود می‌بالید که به چنین پیشرفت‌های شگرفی دست یازیده است. اما، تقریباً، از اواسط قرن بیستم، به‌مرور به پیامدهای ناگوار این تصرف‌های افراطی در محیط زیست و پیشرفت‌های ظاهری پی برد. از این‌رو، کم‌کم، دغدغه تضمین شرایط زندگی برای نسل‌های آینده، به‌عنوان موضوعی جدی، مورد توجه خردمندان قرار گرفت. آن مسئله را فقط انسان‌های محتاط و آینده‌نگر دریافتند. تأملی نه چندان عمیق در رفتار بشر معاصر که لجام‌گسیخته همه منابع طبیعت و محیط زیست را قربانی لذایذ خود نموده، جانبداری از خردمندان آینده‌نگر را امری ضروری و عاقلانه می‌نمایاند. از همین روی، اندیشه احتیاط در رفتار، ابتدائاً در قلمرو مباحث راجع به محیط زیست گسترش پیدا کرد. این اندیشه فقط در حوزه نظر باقی نماند بلکه در عمل، در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد گردید و حتی می‌توان آثار اعمال این اصل را در رویه قضایی بعضی از کشورها مشاهده نمود. نتیجه عمل به اصل احتیاط، احتراز از خطرات احتمالی است که ممکن است ضررهای سنگین و جبران‌ناپذیری را متوجه محیط زیست و حیات انسانی نماید. لذا، شاید سخن از این اصل در حقوق مسئولیت مدنی که

در پی جبران ضرر وارده است، قدری عجیب باشد. اما در مباحث پیش رو خواهیم دید که اصل احتیاط، زمینه تحولی اساسی در مبانی و قواعد راجع به مسئولیت مدنی فراهم کرده است که پرداختن به آن اهمیت بسیار دارد. از این رو، در نوشتار حاضر، به ترتیب «مفهوم و پیشینه اصل احتیاط»، «مبانی فقهی اصل احتیاط» و «رابطه اصل احتیاط و مسئولیت مدنی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم و پیشینه اصل احتیاط

ضرورت و اهمیت پرداختن به اصل احتیاط، از رفتارهای مخاطره‌آمیز بشر نسبت به محیط زیست و سلامت بشر، ناشی می‌شود؛ بنابراین، «احتراز از هر اقدامی که احتمالاً سلامت انسان، تداوم حیات و محیط زیست را دچار مخاطره می‌کند» به‌عنوان مسئله‌ای مهم و حیاتی مورد توجه قرار گرفت. سرآغاز بحث‌های پیرامون راجع به اصل احتیاط را باید در اسناد و نوشته‌های اندیشمندان آلمانی جستجو کرد. آنان نخست از «اصل پیش‌بینی و یا اصل اهتمام»^۲ سخن به میان آوردند. این مفاهیم قرابت موضوعی با اصل احتیاط داشت؛ با این حال، باید نخستین بارقه‌های «اصل احتیاط» را به همایش جهانی راجع به محیط زیست که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل گردید، معطوف نمود.^۳ در این کنفرانس، تکلیف به حفظ محیط زیست در اعلامیه نهایی مورد تأکید قرار گرفت؛ با این حال، در این اجلاس به‌صراحت از اصل احتیاط سخنی به میان نیامد. پس از آن، در سال ۱۹۷۹ فیلسوفی به نام جون هانس^۴ در کتابی تحت عنوان «اصل مسئولیت»^۵ با این بیان، دغدغه مزبور را تبیین نمود: «چنان کن که پیامد عمل تو، حقیقتاً، با تداوم حیات انسانی بر روی زمین، سازگار باشد».^۶

جون هانس، در کتاب خود از «اصل مسئولیت» سخن به میان آورد، نه از «اصل احتیاط». با وجود این، اندیشه‌های وی را، سر منشأ مباحث مربوط به اصل احتیاط می‌دانند.^۷ از آن پس، رفته‌رفته بحث از اصل احتیاط رونق بیشتری گرفت. اما محور همه بحث‌ها این مسئله بود که: اگر اقدامی، به‌احتمال، خطراتی را متوجه سلامتی انسان و یا محیط زیست کند، هرچند که در زبان‌بار بودن پیامدهای آن اقدام، از نظر علمی و

فنی یقینی حاصل نشده باشد، نباید در اتخاذ تصمیمی مناسب، در جهت جلوگیری از بروز آن پیامدها، کوتاهی کرد.

«de principe de precaution» به زبان فرانسه و «The precautionary principle» به زبان انگلیسی، هرچند به «اصل احتیاط» ترجمه و شهرت یافته است؛ اما نباید آن را با اصل احتیاطی که به عنوان اصلی عملی در مباحث اصول فقه، از آن بحث می‌شود، یکی پنداشت. این دو، ماهیتاً دو موضوع مجزا از هم هستند که به مرور تفاوت‌های آن‌ها مشخص می‌گردد. با توجه به منابع موجود، می‌توان با اطمینان خاطر گفت که ابتدا کشورهای اروپایی از اصل احتیاط سخن به میان آوردند. اما این بدان معنا نیست که در فقه و کلام اسلامی و همچنین در حقوق موضوعه ایران، نتوان مبانی را برای توجیه آن، یافت نمود.

لازم به ذکر است، «احتیاط»^۹ مفهومی متمایز از «پیشگیری»^۹ دارد؛ زیرا، در پیشگیری، هدف این است که اقداماتی به عمل آید تا از خطری که خسارتی «قابل پیش‌بینی» در پی دارد، احتراز شود؛ درحالی‌که در احتیاط، هدف این است، از خطر بروز خسارتی جلوگیری شود که حتی «غیر قابل پیش‌بینی» باشد. در این حالت، اطمینان قطعی نه در عدم و نه در وجود خطر حاصل نیست (Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre, 2010, p.506 et s). در مباحث آتی رابطه اصل احتیاط و مسئولیت پیشگیرانه با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اصل احتیاط، در آغاز، صرفاً، به محیط زیست مربوط می‌شد؛ اما به تدریج، از این اصل، برای عرصه‌های دیگری، نظیر پزشکی، امور بهداشتی، علم ژن‌شناسی، علم سیاست و ... نیز استفاده گردید. این اصل، ابتدائاً، به عنوان اندیشه‌ای فلسفی مورد توجه قرار گرفت. زیرا، مهم‌ترین دغدغه در این موضوع حیات و تداوم حیات (در شرایطی ایدئال) بود. اما، این موضوع فلسفی، خیلی سریع جای خود را در میان مباحث حقوقی باز کرد و از سوی حقوقدانان و قانون‌گذاران مورد توجه جدی قرار گرفت.

قلمرو اعمال اصل احتیاط «خطرهای احتمالی»^{۱۰} است؛ بنابراین، اگر مخاطره‌آمیز بودن پدیده‌ای، قطعی باشد، یا به عبارتی «خطر مسلم و قطعی» باشد^{۱۱} از قلمرو اعمال اصل احتیاط خارج است؛ برای مثال، مخاطره‌آمیز بودن بمب هسته‌ای و شیمیایی حتمی

است و لذا برای مقابله با آن لازم نیست، به اصل احتیاط متوسل شد. اما، در حال حاضر، به کارگیری مواد جدید، در ساخت مصالح ساختمانی، دست‌کاری‌های ژن‌شناختی‌ای به‌منظور تولید پاره‌ای از مواد غذایی، احداث دکل‌های مخابراتی در نزدیکی سکونتگاه‌های انسانی و ... از جمله پدیده‌هایی هستند که تصاعد ضرر از آن، احتمالی است. بر همین اساس، مصادیق مزبور و مصادیق دیگری از همین سنخ، می‌تواند محل جریان اصل احتیاط قرار گیرد.

در هر حال، افزایش سیطره انسان بر طبیعت، باعث پیدایش فناوری‌هایی جهت دست‌کاری در آن شد و در نتیجه، وضعیت «نامطمئن علمی»^{۱۲} توأم با ترس و نگرانی‌های گوناگون در میان جوامع بروز پیدا کرد. این امر، صرفاً، شامل مواردی که انسان آگاهانه آن‌ها را ایجاد می‌کند، نمی‌شود بلکه حتی شامل وقایع طبیعی، نظیر انتشار ویروس‌ها و بروز بلایای طبیعی نیز می‌شود. البته تعیین مرز میان این دو دسته از امور، حقیقتاً دشوار است. زیرا، بعضی از بلایای طبیعی، به‌نحو مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه فعالیت انسان رخ می‌دهد. گرم شدن کره زمین، پاره شدن احتمالی لایه اُوزون، پیدایش بیماری‌هایی نظیر جنون گاوی که در اثر تغییر نوع تغذیه دام توسط انسان روی داده است، از این قبیل است. می‌توان گفت، اهمیت یافتن اصل احتیاط، معلول علاقه وافر انسان پست‌مدرن، برای مهار همه امور و رسیدن به تمامی زوایای پنهان علوم است. رشد فزاینده علوم و گسترش حیرت‌آور دستاوردهای ناشی از آن، نشانگر میل سیری‌ناپذیر بشر، به توسعه است. اما، این نگرانی هم انکارناپذیر است که سرعت بی‌مهار توسعه، خطراتی جدی را متوجه محیط زیست و سلامت انسان و تداوم حیات او می‌کند. لذا، اصل احتیاط در اثر تعارض میان میل انسان به پیشرفت و توسعه از یک سو و نگرانی او به خاطر از دست دادن امنیت از سوی دیگر، متجلی شده است (نو و اگلیز، ۱۳۸۸، صص ۱۲۸-۱۲۹).

اصل احتیاط به‌طور جدی و رسمی نخستین بار در اجلاس ملل متحد ریو^{۱۳} به سال ۱۹۹۲ میلادی که با موضوع کره زمین تشکیل یافته بود و همچنین در معاهده ماستریت^{۱۴} که در همان سال منعقد گردید، به کار برده شد. در معاهده ماستریت، تأکید شد که اصل احتیاط، علاوه بر اینکه به‌منظور حفظ محیط زیست، قابلیت استناد دارد،

برای حفظ سلامتی اشخاص نیز قابل استناد است؛ با این حال، سخن از اصل احتیاط، در محافل علمی و پژوهشی، قدمت بیشتری دارد و شاید نتوان برای آغاز آن دقیقاً تاریخی تعیین نمود. البته، همچنان که ملاحظه گردید، این اصل در پژوهش‌هایی که در سال‌های بعد از ۱۹۷۰ میلادی انجام گرفت، بیشتر به کار برده شد. اما به‌طور رسمی، در کنوانسیون ریو اصل احتیاط بدون اینکه ضمانت اجرای مشخصی داشته باشد، مورد استناد قرار گرفت. در اجلاس ریو، تأکید بر این بود که انسان‌ها بیشتر به اهمیت و ضرورت حفظ سلامت محیط زیست توجه نمایند. در اصل ۱۵ اعلامیه‌ای که نهایتاً در این اجلاس منتشر گردید، چنین آمده است: «به‌منظور حفظ محیط زیست، اقدامات احتیاطی به توسط دولت‌ها و بر اساس توانایی‌های آن‌ها انجام پذیرد. در جاییکه خطرات جدی و یا خسارت، غیر قابل جبران است، عدم حصول اطمینان علمی، نباید به‌عنوان دلیل، جهت به تأخیر انداختن اقدامات مؤثر، به‌منظور پیش‌گیری از تخریب محیط زیست، مورد استناد قرار گیرد».^{۱۵}

پس از اجلاس ریو، اصل احتیاط در پیمان‌های مختلف بین‌المللی به کار برده شد که از جمله می‌توان به کنوانسیون تنوع بیولوژیک ژوئن ۱۹۹۲ میلادی^{۱۶} و پروتکل کارتاژنا راجع به پیشگیری از خطرات زیست‌فناوری امضاء شده در ژانویه ۲۰۰۰ میلادی^{۱۷} که در حقیقت در ادامه کنوانسیون تنوع بیولوژیک منعقد گردید، اشاره کرد. این پروتکل که در یازده سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی به‌موقع اجراء گذاشته شد، بر مبنای اصل احتیاط و پیشگیری بسته شد. گسترش مباحث راجع به اصل احتیاط در عرصه بین‌المللی، باعث شد، در قوانین ملی نیز این اصل مورد توجه جدی قرار گیرد؛ برای مثال، در قانون بارنیر^{۱۸} ۱۹۹۵ فرانسه، قانون‌گذار چنین مقرر نموده است: «عدم اطمینان ناشی از داده‌های علمی و فنی روز، نباید اتخاذ تدابیر مؤثر و مناسب برای پیشگیری از حدوث خسارتی سنگین و غیر قابل جبران نسبت به محیط زیست را که می‌توان هزینه اقتصادی قابل قبولی صرف آن نمود، به تأخیر اندازد».^{۱۹}

همچنین در مارس ۲۰۰۵ متن زیر به‌عنوان ماده ۵ که راجع است به محیط زیست، در قانون اساسی فرانسه درج گردید: «هنگامی که بروز یک خسارت، هرچند که از لحاظ علمی غیر مسلم باشد، ولی بتواند عمیقاً و جبران‌ناپذیر، محیط زیست را تحت

تأثیر قرار دهد، مقامات عمومی را ملزم می‌کند تا بر اساس اصل احتیاط و در قلمرو صلاحیت خود با ارزیابی خطرها، اقدام موقتی و مناسب، به‌منظور احتراز از بروز خسارت معمول دارند.^{۲۰}

تصویب این قانون در حقیقت، مسئولیت دولت را در قبال حفظ محیط زیست، افزایش داد (Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre, 2010, p.506 et s). در فرهنگ اصطلاحات حقوقی به زبان فرانسه، اصل احتیاط به مفهومی که در مقررات فوق آمده، تعریف گردیده است (Lexique des termes juridiques, 2010, p.553). با اینکه در آغاز از اصل احتیاط در حقوق محیط زیست و حقوق بهداشتی مورد استفاده قرار گرفت، اما کم‌کم، این تمایل به وجود آمد تا در هر موردی که احتمال بروز خسارتی سنگین و جبران‌ناپذیر در آینده وجود دارد، به استناد این اصل، از حدوث آن جلوگیری شود. به همین سبب، در بحران‌های اقتصادی، به‌منظور مدیریت و سامان بخشیدن به نظام اقتصادی، به‌بازاری و بانکی نیز به این اصل استناد می‌شود؛ برای مثال، در دیوان قضایی جامعه مشترک اروپا و در دعوای راجع به جنون گاوی که در سال ۱۹۹۸ مورد رسیدگی قرار گرفت، اصل احتیاط توسط این مرجع مورد استناد قرار گرفت. سازمان تجارت جهانی نیز در موافقت‌نامه راجع به اقدامات بهداشتی و سلامت گیاهی، به دولت‌های عضو اجازه داد، اقدامات لازم در راستای اصل احتیاط معمول دارند.

اصل احتیاط، علی‌رغم اینکه طرفداران بی‌شماری دارد، منتقدانی هم دارد. بعضی از نویسندگان گفته‌اند: اگر اصل احتیاط به‌درستی مورد استناد قرار نگیرد، چه بسا باعث جلوگیری از پیشرفت و توسعه شود. کشورهایی که در مسیر توسعه قرار دارند، بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از اعمال این اصل قرار دارند. جان دو کرواسدو^{۲۱} می‌گوید: احتیاط کردن و بررسی کردن خطرات به‌منظور احتراز از آن رفتاری خردمندانه است. اما احتیاط کردن را به‌عنوان یک «اصل» در آوردن، فاجعه است. زیرا، نتیجه اعمال این اصل این نیست که باید بررسی و تحقیق واقع‌بینانه که لااقل قریب به واقع باشد، به عمل آید و از اطلاعات موجود استفاده شود بلکه نتیجه اعمال این اصل، آن است که به خاطر اینکه ضررهایی که ممکن است وارد آید، سنگین است، باید اوهام و خیالات را هم فرو نگذاشت. منتقدان، عموماً، تمسک به اصل احتیاط را مانعی سر راه پیشرفت و توسعه

می‌دانند. بعضی دیگر گفته‌اند: با کمال تأسف، در طرفداری از اصل احتیاط، فقط به خطرات احتمالی حاصل از پیشرفت توجه می‌شود و به زیان‌های ناشی از پیشرفت نکردن توجهی نمی‌شود. لین ماتیو^{۲۲} می‌گوید: فلسفه انسانیت همیشه بر منطق آزمون و خطا استوار بوده است و همیشه از طریق آزمون، خطاها اصلاح شده است. اصل احتیاط این منطق را که رمز موفقیت و پیشرفت است نابود می‌کند.^{۲۳} آرون ویداوسکی^{۲۴} در کتاب خود تحت عنوان «در جستجوی امنیت» به عواقب ناگوار اجرای اصل احتیاط در حوزه علم و بهبود رفاه جوامع اشاره کرده است. به اعتقاد او عدم پذیرش خطر نه تنها مانع وقوع خطرهای احتمالی نیست بلکه فواید فراوان ناشی از علوم جدید را نیز نابود می‌کند. وی گوید: مشکل اصلی، وجود خطرها نیست. زیرا، خطر از قواعد اجتناب‌ناپذیر خلقت است و بشر به‌جای اینکه برای احتراز از آنها به پیش‌بینی آنها روی آورد، بهتر است آنها را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرد (نو و انگلیز، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳).

هرچند انتقادات وارده بر اصل احتیاط به ظاهر موجه می‌نمایند، اما به نظر می‌رسد، طرفداران اصل احتیاط بر احتیاط کردن آن‌قدر پافشاری نکرده‌اند که مانع پیشرفت و توسعه جوامع گردند بلکه اگر به قلمرو اعمال اصل احتیاط در اندیشه طرفداران این اصل توجه شود، معلوم خواهد شد، آنان قصد راکد نمودن جوامع را نداشته‌اند. زیرا، خطری که به اعتقاد آنان باید از آن احتراز نمود، خطری است که به‌احتمال، زبانی سنگین و جبران‌ناپذیر در بر خواهد داشت. احتراز از چنین خطرهایی شرط عقل است. در چنین مواردی عقل حکم می‌کند، دست به اقدامی زده نشود، مگر اینکه از نظر علمی اطمینان حاصل شود که آن خطر تهدیدی جدی به شمار نمی‌آید؛ بنابراین، به نظر می‌رسد، باید به شیوه‌ای منطقی میان دو اصل تعادل برقرار نمود. این دو اصل عبارت‌اند از «اصل احتیاط» که تضمین‌گر حفظ محیط زیست و سلامت انسان و تداوم حیات است و «اصل پیشرفت» که زمینه استفاده و بهره‌گیری انسان از مواهب الهی را فراهم می‌کند. لذا، نباید هیچ‌یک از این دو اصل به‌نحو مطلق فدای دیگری شود. زیرا، هر یک رسالتی مهم و اساسی را به دوش می‌کشد. در حقیقت این وظیفه دانایان است که با ترسیم قلمرو اعمال هر یک، انسان را از نتایج مفید آن اصول بهره‌مند نمایند.

۲. مبانی فقهی اصل احتیاط

آنچه که تا به حال در خصوص اصل احتیاط بیان گردید به خوبی نشان می‌دهد که این مقوله با اصل احتیاطی که در اصول فقه به‌عنوان یکی از اصول عملیه از آن بحث می‌شود، متفاوت است. اگر اولی را «اصل احتیاط حقوقی» و دومی را «اصل احتیاط فقهی» بنامیم در تفاوت آن دو می‌توان گفت: اصل احتیاط حقوقی اصلی است که برای دفع ضرر احتمالی که اطمینان علمی و فنی در زیان‌بار بودن آن وجود ندارد و درعین‌حال زیان احتمالی بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر است مورد استناد قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که اصل احتیاط فقهی در جایی ملاک عمل قرار می‌گیرد که مکلف در اصل وجود تکلیف شک ندارد، ولی در مکلف به، شک دارد و درعین‌حال امکان احتیاط هم وجود دارد. شک در مکلف به، با امکان احتیاط ممکن است نسبت به شبهات موضوعیه باشد و یا نسبت به شبهات حکمیه. هر یک از دو نوع شبهه مورد اشاره ممکن است وجوبیه یا تحریمه باشد. فروض مسئله به این موارد ختم نمی‌شود بلکه علمای علم اصول شقوق و فروض بیشتری را در همین ارتباط مورد بررسی قرار داده‌اند که در این نوشتار مختصر نمی‌توان به همه آن‌ها پرداخت (حیدری، ۱۳۸۹، صص ۳۳۶ به بعد؛ انصاری، ۱۳۷۹، صص ۴۰۴ به بعد؛ آخوند خراسانی، ۱۳۹۰، ج ۳، صص ۸۰ به بعد؛ محمدی، ۱۳۸۷، صص ۳۱۷ به بعد). اما به ذکر همین نکته بسنده می‌شود که اگر اصل تکلیف به‌اجمال معلوم باشد، ولی در نحوه انجام آن تردید وجود داشته باشد، بر اساس این اصل، باید به‌گونه‌ای به تکلیف عمل کرد که یقین بر امثال امر شارع وجود داشته باشد. مانند اینکه به‌اجمال مشخص است که یکی از دو ظرف حاضر نجس است؛ ولی، در مصداق ظرف نجس که باید از استفاده آن اجتناب شود، تردید وجود دارد. از این روی، بر اساس اصل احتیاط باید مادامی که ازاله نجاست محرز نگردیده، از هر دو ظرف اجتناب شود. در حجیت اصل احتیاط فقهی، فقهاء به «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل» استناد کرده‌اند. البته فقهاء در امور عبادی به این قاعده استناد کرده‌اند، یعنی جایی که شک در حکم تکلیفی باشد. باوجود این، به نظر می‌رسد، این قاعده می‌تواند در امور غیرعبادی (یعنی در باب معاملات در معنای عام آن) نیز مورد استناد قرار گیرد؛ بنابراین، قلمرو موضوعی این قاعده، ضررهای احتمالی است. اعم از اینکه ضرر به

خاطر ترتب عقاب ناشی از تخلف از حکم تکلفی باشد یا اینکه ضرر ضرری مادی و دنیایی باشد. باوجود این، میزان ضرر اهمیت چندانی در استناد به این قاعده ندارد. یعنی حتی دفع ضرر کم احتمالی نیز عقلاً واجب است، مگر ضررهایی که عرفاً قابل تسامح باشد. مدرک این قاعده نیز «عقل» است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۹). با این توضیح که عقل سلیم حکم می‌کند که ضرر احتمالی دفع گردد و اگر شخصی بر خلاف این قاعده برای دفع ضرر احتمالی اقدام مقتضی به عمل نیاورد و در اثر بی‌مبالاتی متحمل زیانی گردد که می‌توانست با درایت از آن احتراز نماید، نزد عقلای جامعه، قابل مذمت و سرزنش است؛ بنابراین، نتیجه عمل به این قاعده پیشگیری از بروز خسارت است.

اصل احتیاط فقهی بر دو قسم است: یکی اصل «احتیاط عقلی»؛ یعنی حکم عقل به لزوم انجام دادن آنچه ترک آن احتمال ضرر اخروی دارد یا لزوم ترک آنچه انجام دادن آن دارای چنین احتمالی است. دیگری اصل «احتیاط شرعی» و آن عبارت است از حکم شارع به لزوم انجام دادن کار محتمل‌الوجوب یا ترک کار محتمل‌الحرمه. نیکو بودن احتیاط مورد اتفاق همه علمای اسلامی بلکه همه عقلاست (انصاری، ۱۳۷۹، ص ۳۹۸)؛ زیرا عقل، بدون هیچ‌گونه ابهام حُسن آن را ادراک می‌کند (آخوند خراسانی، ۱۳۹۰، صص ۳۴۹-۳۵۰)، مگر آنکه زیاده‌روی در احتیاط موجب عُسر و حرج شود یا در نظام زندگی اختلالی پیش آورد (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۴۱۳). از اینجا روشن می‌شود که بحث مبسوطی که میان اصولیون و اخباریون در حوزه تکالیف شرعی صورت گرفته، درباره اصل مطلوبیت احتیاط نیست؛ بلکه درباره شکل و نحوه مطلوبیت آن است.

بنابراین، می‌توان گفت، اصل احتیاط حقوقی به کمک مبانی اصل احتیاط فقهی قابل توجیه است. قاعده دفع ضرر احتمالی که قاعده‌ای است عقلی مقرر می‌دارد که در جایی که بیم تحمل ضرر وجود دارد، باید به نحوی عمل کرد که از وقوع آن ضرر جلوگیری شود. مضمون اصل احتیاط حقوقی نیز همین حکم است. قبلاً دیدیم که بر اساس این اصل حقوقی در جایی که اطمینان قطعی علمی و فنی از ضرری احتمالی منتفی است، باید اقدام مقتضی برای ضرری که اگر وارد آید سنگین و جبران‌ناپذیر

است، به عمل آورد. لذا، به نظر می‌رسد، اصل احتیاط حقوقی تعبیر دیگری از همان قاعده مشهور فقهی است که به موجب آن عقلاً واجب است که از ضرر احتمالی اجتناب شود؛ باین‌حال، تفاوت‌هایی میان آن دو وجود دارد. زیرا، بر اساس اصل احتیاط حقوقی احتیاط تا جایی لازم است که از ضرری سنگین و جبران‌ناپذیر احتراز شود. در حالی که در قاعده دفع ضرر احتمالی، از هر ضرری اعم از دنیوی و اخروی و اعم از کم و زیاد باید احتراز نمود.

۳. رابطه اصل احتیاط و مسئولیت مدنی

در نگاه اول به نظر می‌رسد، اصل احتیاط با مسئولیت مدنی در تقابل است. قواعد مسئولیت مدنی زمانی به موقع اجراء گذاشته می‌شود که نتیجه اعمال آن قواعد، جبران خسارت وارده باشد؛ بنابراین، اگر خسارتی به بار نیامده باشد، از مسئولیت مدنی بحثی به میان نمی‌آید. این در حالی است که به اصل احتیاط زمانی توسل می‌شود که هدف پیشگیری از حدوث خسارت احتمالی باشد؛ بنابراین، قواعد مسئولیت مدنی معطوف به حالتی در گذشته است (یعنی خسارتی که به بار آمد است). در حالی که اصل احتیاط، ناظر به وضعیتی احتمالی در آینده است (یعنی خسارتی که ممکن است در آینده به بار آید)؛ باین‌حال، نباید انکار نمود که میان این دو مفهوم ارتباط اساسی وجود دارد.

در حال حاضر، اصل احتیاط، در روابط حقوقی میان اشخاص حقوق خصوصی و اشخاص حقوق عمومی مورد استناد قرار می‌گیرد. از این رابطه به رابطه حقوقی در خط عمودی^{۲۵} یاد می‌شود. به عبارتی اصل احتیاط بیشتر برای دولت ایجاد مسئولیت کرده است و به همین دلیل هر کسی می‌تواند، از مراجع قضایی ذی‌صلاح، علیه دولت، به سبب عدم رعایت اصل احتیاط، در مواردی که باید برای احتراز از خطر حدوث خسارت سنگین و جبران‌ناپذیر احتمالی، اقدام مقتضی معمول دارد، اقامه دعوی نماید. اما سؤالی که در اینجا اهمیت دارد که به آن پاسخ داده شود این است که آیا محملی برای استناد به اصل احتیاط در روابط حقوقی میان خود اشخاص حقوق خصوصی وجود دارد؟ از رابطه میان خود اشخاص حقوق خصوصی به رابطه حقوقی در خط عرضی^{۲۶} یاد می‌شود. برای پاسخ به این سؤال، بهتر است به تفکیک، تأثیر اصل احتیاط

را بر هر یک از ارکان مسئولیت مدنی، که شامل «تقصیر»، «ضرر» و «رابطه سببیت» است، مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۱. اصل احتیاط و تقصیر

از قرن نوزدهم به بعد، مسئولیت مدنی کم‌کم به سمت این اصل حقوقی حرکت نمود که باید ضرری جبران نشده باقی نماند. این در حالی است که قبلاً مسئولیت مدنی در پی تحمیل نمودن مسئولیت جبران خسارت بر عهده مقصر بود. این تحول موجب شد که به مرور نقش تقصیر در مسئولیت مدنی کم رنگ شود. از نظر تاریخی، می‌توان گفت، تا قبل از قرن نوزدهم، نظریه غالب به عنوان مبنای مسئولیت، همان نظریه تقصیر بود. اما بعد از آنکه اصل حقوقی «ضرورت جبران کامل زیانها» اهمیت پیدا کرد، نارسایی‌ها این نظریه، به عنوان مبنای منحصر مسئولیت مدنی، آشکار شد. به همین دلیل، حقوقدانان، در پاره‌ای از موارد، مناسب دیدند نظریه خطر را جایگزین نظریه تقصیر نمایند. بر اساس نظریه خطر، فاعل فعل زیان‌بار، باید خساراتی را که به فعل او استناد دارد جبران نماید. از این رو، برای مسئول قلمداد کردن مسبب خسارت نیازی به اثبات تقصیر او نیست بلکه صرف بروز خسارت، دلالت بر مقصر بودن مسبب آن نیز می‌کند. این چنین مسئولیتی را مسئولیت نوعی می‌نامند. حال اگر، مبنای مسئولیت نظریه تقصیر باشد، مسئولیت مسبب خسارت، «مسئولیت شخصی» است و اگر مبنای مسئولیت، نظریه خطر باشد، مسئولیت مسبب خسارت مسئولیت نوعی است. به هر حال اگر نظریه تقصیر مبنای مسئولیت باشد، اصل احتیاط این تکلیف را بر عهده افراد می‌گذارد که اگر احتمال می‌دهند از فعل آن‌ها خسارتی به بار آید، باید اقدام لازم جهت احتراز از آن خسارت معمول دارند و اگر کسی از این تکلیف سر باز زند، بر اساس اصل احتیاط درخور سرزنش است (Viney et Kourlisy, 2000, p.14)؛ باین همه، اگر مبنای مسئولیت نظریه خطر باشد، استناد به اصل احتیاط ملموس‌تر و پذیرفتنی‌تر است. زیرا، در جایی که اشخاص دست به رفتارهایی می‌زنند که خطر (ریسک) ایراد خسارت در آن هست، مرتکب باید بر اساس اصل احتیاط به تمامی نتایج زیان‌بار فعل خود بیندیشد و اقدام مقتضی در احتراز از خطر معمول دارد. طبیعتاً اگر در هر صورت خسارتی حادث

شود، می‌توان گفت که رفتار عامل زیان بر خلاف اصل احتیاط بوده است (Gabrillac, 2010, p.189).

باین‌حال، میان قلمرو موضوعی اصل احتیاط و نظریه خطر، دو تفاوت اساسی مشاهده می‌شود: اولاً، اصل احتیاط ماهیتاً با پدیده‌هایی تناسب پیدا می‌کند که نمی‌توان وضعیت احتمالی را از آن زدود و به حالت اطمینان رسید. درحالی‌که در نظریه خطر، احتمال، جایگاهی ندارد بلکه سخن از خسارت محقق و مسلم است. ثانیاً، نتایج بالقوه پدیده‌هایی که اصل احتیاط در صدد پیشگیری از حدوث آن است، می‌تواند بسیار مهم باشد. مانند تهدیداتی که متوجه سلامتی و حیات انسان و محیط زیست می‌شود. این در حالی است که نظریه خطر در مواردی مورد استناد قرار می‌گیرد که به‌طور معمولی خسارتی اقتصادی حادث شده است و این خسارت از حیث اهمیت قابل قیاس با زیان‌هایی که اصل احتیاط در صدد احتراز از آن است، نمی‌باشد.^{۲۷}

۳-۲. اصل احتیاط و ضرر

به نظر می‌رسد، در ارزیابی عنصر ضرر در رابطه اصل احتیاط و مسئولیت مدنی، با نوعی تعارض مواجه خواهیم بود. اصل احتیاط که به دنبال پیشگیری از خطر حدوث خسارت است، چگونه مسئولیت مدنی را که به دنبال جبران خسارت حادث شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ به اعتقاد بعضی از نویسندگان، اصل احتیاط، منشأ پیدایش نوع جدیدی از مسئولیت مدنی شده است. در شکل جدید مسئولیت مدنی، به خلاف شکل مرسوم آن، حتی ممکن است، شخص، بدون اینکه خسارتی به بار آورده باشد، مسئولیت داشته باشد. بر اساس اصل احتیاط، می‌توان به فردی که اقدام مقتضی برای احتراز از زیان احتمالی معمول نداشته، خرده گرفت؛ باین‌حال، از دیدگاه آئین دادرسی، مادامی که خسارتی محقق نشده است، امکان اقامه دعوی وجود ندارد. زیرا، شرط اقامه دعوی، ذی‌نفعی خواهان است و مادامی که متحمل خسارت نشده است، ذی‌نفع نیست. باوجود این، در حقوق فرانسه، رویه قضایی، جبران خسارات آتی را که واجد وصف «بالقوه» هستند، پذیرفته است. البته، این رویه ناظر به مواردی است که در گذشته خسارتی محقق گردیده اما بیم تداوم آن خسارت همچنان وجود داشته باشد

(Chambre Civil internationale de Paris, 2002, p.13 et 14)؛ باین حال، در مواردی که خطر وقوع خسارت در آینده نزدیک وجود دارد، برخی از حقوقدانان گفته‌اند، اصل احتیاط می‌تواند، در شناسایی مسئولیت مدنی کنونی زیان‌رسان آتی، مؤثر واقع شود. از این رو، شاید بتوان مبنای چنین مسئولیتی را «تقصیر در احتیاط» قلمداد کرد (Viney et Kourillsky, 1999, p.16). البته، دادگاه‌های فرانسه، در مواردی صرف «خطر وقوع خسارت»^{۲۸} یا «خطر قریب الوقوع»^{۲۹} را برای پذیرش دعوی مسئولیت مدنی کافی دانسته‌اند. این تحول را باید مرهون گسترش مفهوم و جایگاه «اصل احتیاط» که تجویزکننده «مسئولیت پیشگیرانه»^{۳۰} در کنار «مسئولیت جبران‌گرانه»^{۳۱} است، دانست (Viney et Jourdain, 2001, p.21)؛ باین حال، به نظر می‌رسد، در وضعیت کنونی با توجه به قواعد عام راجع به مسئولیت مدنی و رویه قضایی وجود ضرر، همچنان یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مسئولیت مدنی است. از این روی، می‌توان گفت، اصل احتیاط نتوانسته به کلی این قاعده عام را منقلب کند. اما این اصل حقوقی، توانسته در تجویز اقامه دعوی پیشگیرانه علیه کسی که بی‌مهابا اقدام محتمل‌الخطری را انجام داده، مؤثر باشد. لذا، در اینجا مناسبت دارد که رابطه اصل احتیاط با دعوی پیشگیرانه با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

مسئولیت پیشگیرانه و اصل احتیاط^{۳۲}: بر خلاف مسئولیت مدنی سنتی که بر آن است تا زیان‌هایی که در گذشته به ناروا به بار آمده جبران نماید، مسئولیت مدنی مدرن، به سوی آینده نظر دارد. در این نوع مسئولیت، برای انسان این تکلیف در نظر گرفته شده است که مراقب رفتارهای خود باشد، به نحوی که گفته شود به‌طور متعارف، تلاش لازم جهت احتراز از ایراد خسارت به عمل آورده است. مبنای این شق اخیر از مسئولیت مدنی، همان «اصل احتیاط» است؛ باین حال، نمی‌توان نادیده گرفت که پیشگیری از بروز خسارت، هدف نخستین مسئولیت مدنی نیست بلکه از اهداف فرعی و ثانویه آن باید به شمار آید. انتظار چنین کارکردی از قواعد مسئولیت مدنی مستلزم آن است که از کارکرد سنتی مسئولیت مدنی که فقط دغدغه جبران خسارت وارده را داشت، عدول کنیم و قدری بر توسعه قلمرو موضوعی آن بیفزاییم. به این صورت که

در مسئولیت پیشگیرانه، ایجاد کردن خطر بروز خسارت سنگین و جبران‌ناپذیر، به‌مانند خسارت وارده در مسئولیت مدنی سنتی انگاشته شود.

اصل احتیاط که توجه به خطر را حتی اگر از نظر علمی وقوع آن محرز نباشد، الزامی می‌نماید، طبیعی است، بر نظام مسئولیت مدنی و به‌ویژه بر حقوق محیط زیست و بهداشت تأثیرگذار باشد. اصل احتیاط همگان را متوجه رفتارهای مخاطره‌آمیز خود می‌نماید و به آنان گوشزد می‌کند که به استقبال اعمالی نروند که احیاناً، ممکن است، از آن خطری بروز نماید و منجر به تحقق خسارتی سنگین و جبران‌ناپذیر شود؛ بنابراین، صرف این تأکید می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از بروز خسارت داشته باشد. اما کارکرد عینی اصل احتیاط به این مورد ختم نمی‌شود بلکه در بعضی از نظام‌های حقوقی توسل به طرح دعوی پیشگیرانه پیش‌بینی شده است که ذی‌نفع می‌تواند، بر اساس آن از رفتارهای خلاف اصل احتیاط جلوگیری نماید. منشأ تاریخی چنین تدبیری به حقوق روم بر می‌گردد. در این نظام حقوقی، طرح دعوی پیشگیرانه^{۳۳} تجویز شده بود که به زیان‌دیده احتمالی اجازه می‌داد که جهت فرار از تحمل خسارت، علیه عامل زیان‌بار احتمالی تدابیر پیشگیرانه اتخاذ نماید. برخی از نظام‌های حقوقی نیز از این شیوه استفاده کرده‌اند. طرح دعوی پیشگیرانه هم‌اکنون در حقوق آلمان قاعده‌ای عام و کلی محسوب می‌شود. در رویه قضایی این کشور برای پذیرش دعوی مزبور تحقق زیان را ضروری نمی‌داند بلکه به‌صرف وجود خطری جدی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نمایند؛ به‌علاوه، پذیرش دعوی پیشگیرانه منوط به اثبات تقصیر خواننده نگردیده است. از این روی مسئولیت خواننده دعوی پیشگیرانه بر نظریه خطر مبتنی است. در نظام‌های حقوقی دیگری چون سوئیس، اتریش، پرتغال، مجارستان، لهستان، چک و ... نیز به همین صورت توسل به دعوی پیشگیرانه جهت جلوگیری از بروز خسارت پیش‌بینی گردیده است (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

در حقوق فرانسه تا به حال امکان طرح دعوی پیشگیرانه به‌عنوان قاعده‌ای کلی و عمومی مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ با این حال، رویه قضایی آن کشور به شیوه‌ای عمل کرده است که گویا چنین تدبیری را برای احتراز از خسارات آتی معقول و منطقی می‌داند. در مواردی پیش آمده است که به علت تحقق یک زیان در گذشته، اقامه دعوا

شده است و دادگاه برای پیشگیری از بروز مجدد زیان مشابه، حکم مقتضی که متضمن اتخاذ تدابیر لازم برای احتراز از آن زیان‌ها بوده، صادر نموده است. همچنین در مواردی که وضعیت غیرقانونی باعث بروز خسارتی شده که بیم آن رفته، تداوم آن وضعیت غیرقانونی، تداوم زیان‌هایی در آینده را در پی داشته باشد، دادگاه بدون هرگونه تردیدی، اقدام مقتضی برای پایان دادن به آن وضعیت غیرقانونی جهت جلوگیری از تحقق زیان در آینده را، معمول داشته است. حتی فراتر از موارد مذکور، دادگاه‌ها صرف وجود وضعیتی که خبر از زیانی قریب‌الوقوع را می‌دهد، برای پذیرش دعوی مسئولیت مدنی کافی دانسته‌اند. تا چند سال اخیر پذیرش دعوی پیشگیرانه، امری استثنایی و غیرمعمول به نظر می‌رسید. اما امروزه با توجه به توسعه فراوان مباحث نظری و عملی راجع به اصل احتیاط و روی آوردن اقبال عمومی خردمندان به این اصل، تمایل بیشتری برای پذیرش اصل احتیاط مشاهده می‌گردد. به همین دلیل است که بعضی از نویسندگان گفته‌اند، باید موارد استناد به اصل احتیاط را موضوعات محیط زیست، بهداشت و ایمنی اشخاص محدود نکرد بلکه از آن قاعده‌ای عمومی ساخت تا بتوان اندیشه پیشگیری از زیان را بر اندیشه جبران زیان غلبه داد. زیرا، به اعتقاد آنان جبران در مورد زیان‌های بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر به‌ویژه در مورد زیان‌هایی که ممکن است در درازمدت به وجود آیند و سلامتی نسل‌های آینده را به خطر اندازند، واقعاً معنایی ندارد؛ چراکه عملاً تحقق‌پذیر نیست؛ بنابراین، آنچه که اهمیت دارد این است که برای پیشگیری از تحقق چنین بلایایی، باید اقدام پیشگیرانه نمود. به همین دلیل پیشنهاد می‌کنند، در کنار مسئولیت مدنی سنتی که بر اندیشه جبران زیان استوار است، مسئولیت مدنی پیشگیرانه توسعه یابد که بر اندیشه جلوگیری از تحقق زیان استوار است (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p.78).

ضرورت پذیرش دعوی پیشگیرانه به‌ویژه در مواردی که به حقوق عمومی لطمه‌ای وارد می‌آید محسوس‌تر است. بعضی از حقوقدانان، عبارت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ایران را صرفاً ناظر به لطمات به حقوق خصوصی دانسته‌اند و گفته‌اند: «در حقوق سوئیس هر نوع لطمه به یک قاعده حقوقی نامشروع است، اعم از این که این قاعده مربوط به حقوق خصوصی و یا حقوق عمومی باشد و

حال آنکه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی منحصرأ ناظر به حقوق خصوصی افراد است و حقوق عمومی را حمایت نمی‌کند» (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱). با این تفسیر به استناد این ماده نمی‌توان از کسی که به محیط زیست زیانی وارد کرده مطالبه خسارت نمود. زیرا، محیط زیست سالم از حقوق عمومی و اساسی افراد به شمار می‌آید (اصل ۵۰ قانون اساسی). هرچند که این دیدگاه با اطلاق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مغایرت دارد، ولی به نظر می‌رسد، مشکل عمده در چگونگی ارزیابی قلمرو مدنی خسارات زیست محیطی است، به گونه‌ای که بعید به نظر می‌رسد، بتوان با قواعد سنتی مسئولیت مدنی، این مشکل را برطرف نمود. همچنین، اثبات رابطه سببیت میان خسارت‌های زیست محیطی و فعل عامل زیان دشوار است. در عمل نیز تجربه ثابت کرده است که قربانیان خسارت‌های زیست محیطی انگیزه بسیار کمی نسبت به پیگیری و مطالبه چنین خسارت‌هایی دارند (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰). از این رو بهتر است، در پاره‌ای از انواع مسئولیت‌ها، به‌ویژه به‌جای اینکه بر اساس قواعد سنتی مسئولیت مدنی در پی جبران خسارات وارده باشیم، بر اساس اصل احتیاط و دعوای پیشگیرانه در صدد جلوگیری از ایراد خسارت باشیم؛ باین‌حال، برای نهادینه کردن مسئولیت پیشگیرانه، بهتر است، قانون‌گذار قاعده‌ای خاص را به آن اختصاص دهد و به‌موجب آن مقرر دارد که حداقل اگر تهدیدی جدی متوجه منافع اساسی فرد یا محیط زیست شود، صرف وجود بالقوه تهدید، تجویزکننده پذیرش دعوای پیشگیرانه است؛ زیرا مادامی که وجود ضرر شرط پذیرش دعوای مسئولیت مدنی است، نمی‌توان بدون نص قانونی، به‌عنوان قاعده، دعوای پیشگیرانه را پذیرفت؛ باین‌حال، تا زمانی که چنین قاعده‌عامی مورد تقنین قرار نگرفته است، چاره‌ای نیست جز اینکه با توسل به مقررات شکلی، مانند دستور موقت اقدامات احتیاطی به عمل آورد.

۳-۳. اصل احتیاط و رابطه سببیت

با توجه به قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی، این مسئولیت در صورتی محقق می‌شود که بین عمل زیان‌بار (تقصیر) و زیان وارده رابطه علیت عرفی برقرار باشد؛ بنابراین، به‌محض اثبات وجود این رابطه است که عامل زیان به جبران خسارت وارده ملزم

می‌شود. در اثبات رابطه سببیت که رکن اساسی مسئولیت مدنی است، اصل احتیاط تأثیر زیادی دارد. زیرا، به‌طور مرسوم بار اثبات مسئولیت، بر عهده زیان‌دیده است. البته اثبات رابطه سببیت در اغلب موارد، برای زیان‌دیده تکلیفی مشقت‌بار است که ممکن است، به خاطر ناتوانی در اثبات، مسئولیتی به اثبات نرسد. از این‌رو، برای تسهیل امر اثبات، با وضع اماره وجود رابطه سببیت، در پاره‌ای موارد، تکلیف اثبات، از عهده زیان‌دیده برداشته شده و بر عهده عامل زیان قرار داده شده است. در این صورت، کسی که فرض شده است، ضرر ناشی از فعل اوست، برای برائت خود می‌تواند، ثابت کند که بین فعل او و خسارت وارده رابطه سببیت برقرار نیست؛ برای مثال، در جایی که خونی به نیازمند تزریق خون، انتقال داده می‌شود، چنانچه بعد از انتقال، دریافت‌کننده به مرض «سیدا» یا «هپاتیت» گرفتار شود، فرض بر این است که میان فعل انتقال دهند و مرض سیدا یا هپاتیت رابطه سببیت وجود دارد؛ مگر اینکه انتقال‌دهنده، ثابت کند که عامل دیگری سبب این مریضی‌ها شده است.

اصل احتیاط نیز می‌تواند، در تغییر بار اثبات مسئولیت مؤثر باشد. اصل احتیاط مبین این تکلیف بود که اگر از دیدگاه علمی و فنی انجام عملی عاری از زیان احتمالی سنگین و جبران‌ناپذیر نباشد، باید اقدام مقتضی برای احتراز از زیان احتمالی به عمل آید. حال اگر در چنین مصادیقی، زبانی به بار آید، فرض بر این است که عامل زیان تلاش نکرده است تا در زمان انجام عمل، بررسی‌های دقیق علمی و فنی را به عمل آورد تا یقین حاصل گردد انجام آن عمل زبانی در پی نخواهد داشت. لذا، عامل زیان به لحاظ انجام عمل مخاطره‌آمیز و بر اساس نظریه خطر، دارای مسئولیت است. با وجود این، عامل زیان می‌تواند، برای رهایی از این مسئولیت عکس اماره موصوف را به اثبات برساند. یعنی ثابت کند که از دیدگاه علمی و فنی در هنگام انجام عمل، یقینی بوده است که هیچ‌گونه رابطه سببیت بین عمل او و خطری که نهایتاً پدید آمده نمی‌توانسته وجود داشته باشد؛ بنابراین، کسی که فرض می‌شود، بر خلاف اصل احتیاط عمل کرده، چنانچه نتواند خلاف این فرض را به اثبات برساند، به خاطر عدم رعایت اصل احتیاط مسئولیت دارد. نمونه بارز چنین مسئولیت‌هایی را می‌توان در مسئولیت‌های

پزشکی^{۳۴} و مسئولیت‌های ناشی از تولید کالاها یا معیوب^{۳۵} یافت نمود (ماده ۱۱-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه).^{۳۶}

جمع‌بندی

هرچند به‌طور معمول اقدامات و تصرفات بشر در محیط زیست، در جهت تخریب و نابودی آن بوده است، اما، با صنعتی شدن تعدادی از کشورها، نگرانی‌های ناشی از تخریب سریع‌السير محیط زیست و نابودی قریب‌الوقوع منابع حیاتی و جانوری، روزه‌روز بیشتر شد. از اواسط قرن بیستم، دانایان، به‌مرور به پیامدهای ناگوار این تصرف‌های افراطی در محیط زیست و پیشرفت‌های ظاهری پی بردند؛ بنابراین، اندیشه احتیاط در رفتار، ابتدائاً در قلمرو مباحث راجع به محیط زیست گسترش پیدا کرد و در عمل، به‌عنوان قاعده‌ای حقوقی، در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد گردید. نتیجه عمل به اصل احتیاط، احتراز از خطرات احتمالی است که ممکن است ضررهای سنگین و جبران‌ناپذیری را متوجه محیط زیست و حیات انسانی نماید؛ بنابراین، اصل احتیاط دریچه جدیدی را به روی مسئولیت مدنی سستی گشوده است که بر اساس آن نباید انتظار بروز خسارت را کشید و در جهت جبران آن اقدام مقتضی به عمل آورد. بر خلاف مسئولیت مدنی سنتی که بر آن است تا زیان‌هایی که در گذشته به ناروا به بار آمده جبران نماید، مسئولیت مدنی مدرن، به‌سوی آینده نظر دارد. در این نوع مسئولیت، برای انسان این تکلیف در نظر گرفته شده است که مراقب رفتارهای خود باشد، به‌نحوی که گفته شود به‌طور متعارف، تلاش لازم جهت احتراز از ایراد خسارت به عمل آورده است. مبنای این شق اخیر از مسئولیت مدنی، همان «اصل احتیاط» است. این تحول را باید مرهون گسترش مفهوم و جایگاه «اصل احتیاط» که تجویزکننده «مسئولیت پیشگیرانه» در کنار «مسئولیت جبران‌گرانه» است، دانست. این اصل مهم حقوقی، در عمل، در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد گردید و حتی می‌توان آثار اعمال آن را در رویه قضایی بعضی از کشورها نظیر فرانسه، مشاهده نمود. پذیرش دعوای پیشگیرانه نیز که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، از نتایج پذیرش اصل احتیاط بود.

در حقوق داخلی نه تنها در نصوص قانونی و رویه قضایی بلکه در نوشتارهای حقوقی نیز از اصل احتیاط سخن چندان به میان نیامده است. اندک مباحث مطروحه را فقط در قلمرو حقوق بین الملل محیط زیست می یابیم. لذا توسعه و تحلیل بیشتر این اصل حقوقی در قلمرو حقوق مسئولیت مدنی، می تواند سرآغاز تحولی نو در عرصه قانون گذاری و رویه قضایی باشد.

یادداشت ها

1. Le principe de precaution
2. principe de prévoyance ou principe de souci
3. Conférence mondiale sur l'environnement de Stockholm
4. Hans Jonas
5. Le Principe responsabilite
6. "Agis de façon que les effets de ton action soient compatibles avec la permanence d'une vie authentiquement humaine sur terre"
7. http://fr.wikipedia.org/wiki/Principe_depr%C3%A9caution)
8. Precaution
9. Prevention
10. Risque hypothetique
11. Risque avere
12. Incertitude scientifique
13. Sommet de la terre de Rio
14. Le traité de Maastricht
15. "En cas de risque de dommages graves ou irréversibles, l'absence de certitude scientifique absolue ne doit pas servir de prétexte pour remettre à plus tard l'adoption de mesures effectives visant à prévenir la dégradation de l'environnement".
16. Convention sur la diversité biologique, Juin 1992 AD
17. Protocole Kartazhna sur la prévention des risques biotechnologiques, signé en Janvier 2000
18. loi Barnier
19. "l'absence de certitudes, compte tenu des connaissances *scientifiques et techniques* du moment, ne doit pas retarder l'adoption de mesures effectives et proportionnées visant à prévenir un risque de dommages graves et irréversibles à l'environnement a un cout economique acceptable".
20. "Lorsque la réalisation d'un dommage, bien qu'incertaine en l'état des connaissances scientifiques, pourrait affecter de manière grave et irréversible l'environnement, les autorités publiques veillent, par application du principe de précaution et dans leurs domaines d'attributions, à la mise en oeuvre de procédures

d'évaluation des risques et à l'adoption de mesures provisoires et proportionnées afin de parer à la réalisation du dommage".

21. Jean de Kervasdoué
22. Mathieu Laine
23. http://fr.wikipedia.org/wiki/Principe_de_pr%C3%A9caution
24. Aaron Wildavsky
25. Vertical
26. Horizontal
27. http://fr.wikipedia.org/wiki/Principe_de_pr%C3%A9caution
28. Risque de dommage
29. Dommage imminent
30. Responsabilite preventive
31. responsabilite curative
32. Responsabilite preventive et principe de precaution
33. Cautio damni infecti
34. Responsabilite medicale
35. Responsabilite du fait des produits defectueux
36. Base documentaire en ligne- at: www.group-cea.fr

کتابنامه

- آخوند خراسانی (۱۳۹۰)، کافیه الاصول، دوره سه جلدی، قم: انتشارات دار الفکر، چاپ سوم.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۸)، فرائد الاصول، دوره دو جلدی، قم: مؤسسه مطبوعات دینی، چاپ اول.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، قواعد فقه، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حیدری (۱۳۸۹)، اصول الاستنباط، قم: پیام نوآور، چاپ هشتم.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تابستان.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سی و یکم.

نو و اگلینز، املی زهرا (۱۳۸۸)، «اصل احتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست‌مدرن»، *دوفصلنامه فلسفی شناخت (پژوهش‌نامه علوم انسانی)*، پاییز و زمستان.

Buffelan- Lanore et Larribu- Terneyre (2010), *Droit civil, les obligations*. 12 ed, sirey.

Base documentaire en ligne- at: www.group-cea.fr

Chambre Civil international de paris. Pour une responsabilite civile, environnementale mesuree et equitable, Reaction a la proposition de "directive europeenne sur la responsabilite environnementale en vue de la prevention et de reparation des dommages environnementaux", Adopte par l'assemblee generale du 11 juillet 2002, at: www.etudes.ccip.fr/archrap/chrono02.htm-3lk

Code civil francais, Dalloz, 2010

Janas, H. (1979), *le principe responsabilite*, Traduction francaise: Cerf, 1990

Flour, J.; Luc-Aubert, J.; et Savaux, E. (2009), *Droit Civil, Les obligations*, 13 ed, Sirey.

Gabrillac, R. (2010), *Droit des obligation*, Dalloz, 9 ed, Paris.

Lexique des termes juridiques. 17 ed. Dalloz, 2010

Viney, G.; Kourlisy, et M P. (2000), "Rapport au premier minister sur le principe de precaution", 1999, Odille Jacob, doc. France, janvier.

Viney, G.; Jourdain et P. (2001), *Les effets de la responsabilite*, paris, LGDJ, Wikipedia - http://fr.wikipedia.org/wiki/Principe_depr%C3%A9caution